

گوناهگونی در ایران: زمینه‌ساز تکامل ملی و مرکزیت منطقه‌ای

محسن مدیر شانه‌چی*

چکیده:

در این مقاله، پس از بررسی اجمالی موضوع گوناهگونی و امکان تفسیم‌بندی کشورها از منظر تنوع و تکثر یا فقدان آن، با اشاره به انواع گوناهگونی‌های دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی، ایران کشوری برخوردار از گوناهگونی شناخته شده است. افزون بر این، تنوع موجود در ایران برونزا و محصول مهاجرت‌ها یا پراکنش منطقه‌ای ناشی از تجزیه امپراتوری یا کشوری کثیرالمله نیست، بلکه تنوعی اصیل، بومی و درونزاست. با توجه به آثار و تبعات دوگانه گوناهگونی در ایجاد یا تشدید منازعات و بحران‌ها از یک سو و تأثیرگذاری‌های سازنده و تعاملات تکامل‌آفرین از سوی دیگر، پیامدهای گوناهگونی موجود در ایران با توجه به ویژگی‌های آن بررسی شده و در پایان نقش فرامرزی بودن این گوناهگونی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: بومی بودن، تسنن، شیعه، قوم، گوناهگونی، گویش، مهاجرت،

همگرایی، هویت

مقدمه

بررسی و مقایسه حدود ۲۰۰ واحد جغرافیایی که کشورهای مختلف جهان را تشکیل می‌دهند، تقسیمات و طبقه‌بندی‌های متنوعی را پیش می‌کشد. در یک تقسیم‌بندی کلی از نگاه همسانی یا گوناگونی نیز می‌توان با احتساب مؤلفه‌هایی چون دین، قومیت، زبان و فرهنگ، دو سنخ کشورهای همسان یا یکپارچگی مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی و کشورهای متکثر را با گونه‌گونی در دین و مذهب، قومیت، زبان، سنت‌ها، آیین‌ها و آموزه‌های فرهنگی تشخیص داد. این تنوع در طیف کشورهای برخوردار از گوناگونی، طبعاً می‌تواند شامل یک یا چند مؤلفه یا همه آنها باشد. آنچه که از شواهد تاریخی برمی‌آید و در تحولات کنونی جهان نیز مواردی را شاهد بوده‌ایم، گوناگونی‌ها گاهی تشدیدکننده برخی رودرروی‌ها، منازعات و بحران‌ها بوده‌اند. متقابلاً در بسیاری از موارد نیز گوناگونی به مثابه عاملی در تقویت تعامل فکری، شناخت متقابل، تحولات و تأثیرگذاری‌های سازنده و نهایتاً تکامل ملی در جوامع برخوردار از این ویژگی عمل کرده است. افزون بر این، گوناگونی گاهی در ابعاد و انواع مختلف‌اش در ایجاد ارتباطات و تعاملات فرامرزی و فراهم ساختن زمینه نفوذ و اقتدار منطقه‌ای و مرکزیت بخشیدن به کشورهای متکثر عاملی تعیین‌کننده بوده است.

وضعیت مقایسه‌ای گوناگونی در ایران و جهان

ایران از جمله کشورهای متکثر و برخوردار از تنوع دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی است. در این میان، ایران در مقایسه با ۲۰۰ کشور یا واحد جغرافیایی - سیاسی فعلی جهان به‌طور نسبی از بیشترین گوناگونی‌ها برخوردار است. سه دین اصلی توحیدی یا ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) پیروانی در ایران دارند. در این میان، مسیحیت با گستره‌ای از شاخه‌ها و فرقه‌های مختلف خود، شامل پیروان کلیساهای متعدد می‌شود. گستره پیروان اسلام در ایران نیز گوناگونی بسیاری دارد. تنوعی که در مقایسه با حدود پنجاه کشور دیگری که اسلام دین اصلی و رسمی آنهاست، کم‌نظیر است. در بسیاری از کشورهای اسلامی تنها مذهب تسنن و غالباً یکی از فرقه‌های این مذهب رواج دارد و در کشورهای کمتری نیز تشیع به مثابه مذهب اقلیتی از مسلمانان یا مذهب بیشترین مسلمانان (۱) رایج است. در هر صورت تنوع فرقه‌ها و

مکاتب شیعی و سنی گسترهٔ محدودتری دارند. شیعیان در ایران، در مقام اکثریت مذهبی با حدود ۹۱ درصد از جمعیت کشور، علاوه بر شیعیان دوازده امامی، شامل شیعیان اسماعیلی نیز می‌شوند. مذهب تسنن نیز حدود ۸ درصد از جمعیت ایران، شامل سنیان حنفی و شافعی را شامل می‌شود. دامنهٔ شمول مسلمانان ایرانی به مذاهب و فرق اصلی سنی و شیعی محدود نمی‌شود بلکه پیروان مذاهب و فرقه‌های کوچکتری چون یزیدی‌ها و اهل حق یا علی‌اللهی را نیز باید براین گستره تنوع دینی افزود.

گرچه غیرمسلمانان در جامعهٔ متکثر ایران به بیش از یک تا دو درصد جمعیت نمی‌رسند، همین تعداد نیز نمایانگر گوناگونی مذهبی کم‌نظیری می‌باشد. غیرمسلمانان ایران نیز تنها به پیروان دو دین اصلی، یهودیت و مسیحیت (با شاخه‌ها و شعب متعدد در قالب کلیساهای مختلف) محدود نمی‌شوند، بلکه زرتشتیان، صائبی‌ها و سیک‌ها نیز در این گوناگونی شرکت دارند. پیروان مذهبی که خاستگاه یا سکونتگاه آنان به ایران و یکی دو کشور دیگر محدود می‌شود، (۲)

گستره جغرافیایی پیروان مذاهب و ادیان گوناگون رایج در ایران اجمالاً از این قرار است؛ شیعیان اثنی عشری در سراسر ایران جز در نواحی خاص اهل تسنن، شیعیان اسماعیلی عمدتاً در خراسان به‌ویژه دیزباد نیشابور، اهل تسنن بیشتر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی ایران از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال ساکن هستند. در مجموع، حنفی‌ها در نیمه شرقی و شافعی‌ها نیز در نیمه غربی کشور زندگی می‌کنند. حنفی‌ها شامل بلوچ‌ها در جنوب شرقی و شرق ایران (عمدتاً استان بلوچستان و سیستان و نقاطی در استان‌های خراسان، کرمان و هرمزگان)، ساکنان نوار مرزی شرق خراسان از جمله در بیرجند (درمیان، اسدآباد یا اسدیه، فورک و ماخونیک)، قاشن (زیرکوه)، تربت جام، تایباد یا طیبات، خواف، زورآباد یا صالح‌آباد و سرخس و ترکمن‌ها در شمال خراسان و استان گلستان می‌باشند. شافعی‌ها نیز شامل برخی از ساکنان سواحل و جزایر جنوب کشور (استان‌های بوشهر و هرمزگان) و هم‌چنین اکثر کُردهای غرب کشور و تالش‌های شمال غربی ایران را در برمی‌گیرند. یزیدی‌ها و اهل حق نیز در غرب کشور سکونت دارند. سکونتگاه یهودیان ایران عمدتاً در تهران، کاشان، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، همدان و جنوب کشور است. بیشتر مسیحیان در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران، تبریز، ارومیه و فریدن و جلفای

اصفهان زندگی می‌کنند. محل زندگی زرتشتیان ایران عمدتاً کرمان، یزد و اطراف آن و نیز تهران است. صائبی‌ها مشخصاً در خوزستان (اهواز) و سیک‌ها در بلوچستان (زاهدان) سکونت دارند. (۳)

گستره کم‌نظیر قومیت و تنوع اقوام ساکن در ایران، وجه دیگری از گوناگونی جامعه ایرانی است. علاوه بر قومیت اصلی فارس‌زبانان که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، قریب ۱۰ قومیت دیگر که هر یک زبان‌ها یا گویش‌ها و نیز خرده‌فرهنگ‌های خاص خود را دارند، در قلمرو سرزمین کنونی ایران زندگی می‌کنند.

قومیت‌های عمده ایران، محل استقرار آنها و نسبت آنان در جمعیت کشور بر حسب درصد به ترتیب عبارت است از فارس‌ها یا مجموعه اقوام فارس زبان در سراسر ایران جز نواحی خاص سایر قومیت‌ها (۴۵/۶ تا ۶۶ درصد) آذری‌ها عمدتاً در شمال غربی کشور در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان و بخش‌هایی از استان‌های گردستان، همدان، قزوین، مرکزی، مازندران (قائم شهر)، غرب گیلان (آستارا)، شمال خراسان، فارس (عشایر قشقایی) و نیز ساکنان برخی شهرهای بزرگ به‌ویژه پایتخت و کرج (۱۶/۸ تا ۲۵ درصد)، گُردها عمدتاً در غرب کشور خصوصاً استان گُردستان، جنوب آذربایجان غربی (مهاباد)، کرمانشاه، ایلام، شمال خراسان (۵ تا ۹/۱٪)، گیلک‌ها در گیلان و غرب مازندران (۵/۳ درصد)، لُر‌ها عمدتاً در غرب و جنوب غربی ایران در استان‌های لُرستان، همدان، ایلام و پشتکوه لُرستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، بوشهر و شمال خوزستان (۴/۳ درصد)، مازندرانی‌ها در استان‌های مازندران و گلستان (۳/۶ درصد)، بلوچ‌ها در استان بلوچستان و سیستان، جنوب و شمال شرقی خراسان (سرخس و جام)، جنوب کرمان و شرق هرمزگان (۲/۳ درصد)، عرب‌ها در مرکز و جنوب خوزستان و به‌صورت پراکنده در جنوب خراسان (عربکده بیرجند) و استان‌های بوشهر و هرمزگان (۰/۴٪)، بختیاری‌ها در استان چهارمحال و بختیاری و شمال خوزستان (۱/۷ درصد)، تالش‌ها در غرب گیلان و شرق اردبیل (کمتر از یک درصد) و ترکمن‌ها در استان گلستان و شمال خراسان سکنی گزیده‌اند. (۴)

بدیهی است که در باب نحوه تفکیک قومیت‌ها و دامنه شمول هر یک از آنها اجماع علمی مشخصی وجود ندارد. مثلاً اقوامی مانند هزاره و سیستانی را می‌توان از یک سو قومیتی

جداگانه به شمار آورد و از سوی دیگر آنان را به‌طور کلی در زمره فارس‌ها محسوب نمود. از آنجا که قومیت‌ها معمولاً در ارتباط با زبان و گویش قرار دارند، می‌توان تفاسیر مختلفی از تعداد قومیت‌ها ارائه داد. براین مبنا، گاه اقوامی که زبان جداگانه‌ای ندارند و احیاناً با گویش‌های مختلف زبان فارسی سخن می‌گویند، در مقابل اقوام غیرفارس زبان در شمار فارس‌ها محسوب می‌شوند. ضمن اینکه اجماع و رأی واحدی نیز در باب تمایز زبان، گویش و لهجه میان زبان‌شناسان موجود نیست. برخی زبان‌ها یا گویش‌ها، خود شاخه زبان یا گویش دیگری محسوب می‌شوند و گاه زبان یا گویشی نیز حد واسطه دو زبان یا گویش دیگر به شمار می‌آید. چنین است که برخی مازندرانی‌ها و حتی گیلک‌ها را در مقایسه با آذری‌ها، گُردها یا بلوچ‌ها قوم جداگانه‌ای محسوب نمی‌کنند. لُر‌ها را نیز که از نظر زبان (یا گویش) در حد واسطه فارس زبان‌ها و گُردها قرار دارند، را می‌توان به هر دو گروه قومی نسبت داد و قومیت ثالثی نیز برای آنان قائل شد. نک‌ها نیز در میانه دو گروه قوم لُر چنین وضعیتی دارند و این نسبت را در مورد تات‌ها هم می‌توان برقرار کرد که در میان سه گروه قومی فارس، آذری و تالش قرار دارند.

ویژگی تنوع قومی در ایران در مقایسه با بیشتر کشورهای دیگر که آنها را نیز می‌توان ممالک کثیرالاقوام خواند، بومی بودن قومیت‌های متعدد و متنوع ایران و به عبارت دیگر ایرانی بودن و ایرانی الاصل بودن آنهاست. حال آنکه در غالب کشورهای برخوردار از تنوع قومی، این‌گونه‌گونی و تنوع، بیشتر ناشی از مهاجرت اقوامی از کشورهای دور و نزدیک می‌باشد.

صرف‌نظر از ایران، شاید بتوان کشورهای هند، پاکستان و افغانستان (در آسیا) و اسپانیا (در اروپا) را برخوردار از تنوع قومی دانست. (۵)

برخی کشورهای متنوع دیگر، از نظر گستره گونه‌گونی اندک هستند و در مجموع نسبت اقوام غیراصلی‌شان به ده درصد از جمعیت هم نمی‌رسد. بعضی کشورهای آفریقایی که تنوع قومی در آنها عمدتاً به اختلاط قبایل پراکنده در کشورهای مجاور محدود می‌شود، از این تقسیم‌بندی مستثنی می‌باشند. سایر کشورهایی که حداقل ده درصد جمعیت آنان را اقوامی جز قوم اصلی تشکیل می‌دهد و تنوع قومی آنها نیز قابل توجه می‌باشد، عبارت‌اند از:

الف) کشورهایی که گونه‌گونی‌شان حاصل مهاجرت اقوام و ملیت‌های دیگری از کشورهای نزدیک یا دور - بعضاً از قاره‌های دیگر - است. طیف گسترده این دسته از کشورها شامل این

موارد می‌باشند: چند کشور عربی حوزه خلیج فارس (۶)، کشورهای شبه جزیره مالاکا (۷)، چند کشور کوچک کثیرالمله در قاره‌های مختلف که تنوع قومی آنها اساساً حاصل مهاجرت از سرزمین‌ها و قاره‌های دورتر است. (۸) هم‌چنین کشورهای کثیرالمله‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، نیوزلند، آفریقای جنوبی و اسرائیل (فلسطین اشغالی) که تنوع و گوناگونی قومی آنها نیز مشخصاً حاصل اختلاط مهاجران نسل‌های پیش (عمدتاً اروپایی) و بومیان یا سکنه اصلی این کشورهاست که اکنون اغلب در اقلیت قرار دارند. (۹) در کشورهای آمریکای لاتین نیز که ترکیب جمعیتی و تنوع موجود در آنها به گونه‌ای دیگر ناشی از اختلاط مهاجران نسل‌های پیشین از قاره‌های اروپا، آفریقا و آسیا با بومیان سرخ‌پوست - به نسبت‌های مختلف - می‌باشد، تنوعی برونزا و غیر ملی به چشم می‌خورد. (۱۰) به‌طور کلی از ۱۸ موج مهاجرت عمده در ۱۴ قرن اخیر، ۶ مورد آن به قاره آمریکا سرازیر شده است. (۱۱)

ب) کشورهایی که گوناگونی در آنها نتیجه تجزیه امپراتوری یا کشوری پهناورتر و به جای ماندن اقوام و ملیت‌هایی از کشورهای مجاور در کشور مورد نظر است. به عبارت دیگر، تنوع در آنها منطقه‌ای است و معلول پراکنش قومی در یک منطقه جغرافیایی با چند کشور می‌باشد. (۱۲) اگر تنوع قومی در ایران را که شامل قومی ایرانی و متعلق به همین سرزمین است درونزا بخوانیم، تنوع حاصل از مهاجرت یا پراکنش منطقه‌ای قومیت‌ها را می‌توانیم تنوعی برونزا به حساب آوریم. براین مبنا، اقوام ایرانی موجود گوناگونی قومی در ایران، نه اقلیت‌های (ملیت‌های کوچکتر مستحیل شده در ملیتی کلان‌تر) و نه گروه‌های قومی به معنای مهاجران رودرو با نابرابری‌های شهروندی هستند. (۱۳)

وجه دیگر گوناگونی در ایران، به موازات گوناگونی قومی یا به تبع آن، تنوع زبان‌ها و لهجه‌های مختلفی است که در گوشه و کنار این سرزمین با آن تکلم می‌شود و اغلب این زبان‌ها و گویش‌ها نیز نظیر زبان فارسی در شمار گروه زبان‌های ایرانی محسوب می‌شوند. این گوناگونی و تنوع زبان‌ها و لهجه‌های رایج در ایران، همچون وجود اقوام ایرانی ساکن در این سرزمین و جهی درونزا دارد و به تنوع درونی خود ایران مربوط می‌شود. برخلاف ایران، در برخی کشورهای دیگری که احیاناً نوعی تنوع زبانی دارند، گوناگونی موجود همچون مورد تنوع قومی، عمدتاً ویژگی مهاجرتی یا منطقه‌ای پیش‌گفته را دارد.

نقش ملی گوناگونی در ایران: همگرایی یا واگرایی

نام و هویت ایران - برخلاف بیشتر کشورهای جهان - برگرفته یا بر ساخته از قوم، زبان، دین یا مذهب خاصی نیست و تقریباً در هیچ یک از پیروان ادیان و مذاهب مختلف و اقوام که به زبان‌ها و گویش‌های گوناگون در این سرزمین تکلم می‌کنند احساس بیگانگی را بر نمی‌انگیزد. هویت ایرانی، مفهومی در برگیرنده همه ایرانیان صرف نظر از اعتقادات دینی و مذهبی، قومیت، زبان یا گویش آنان است. این وضعیت تقریباً منحصر به فرد است؛ به ویژه با توجه به این نکته که ایران اساساً خاستگاه برخی از ادیان و غالب زبان‌های رایج در این سرزمین و وطن بومی بیشتر اقوام ساکن در آن می‌باشد.

از میان نام ۲۰۰ کشور مورد بررسی؛ نام ۷ کشور برگرفته از نام تنها یکی از اقوام ساکن در آن، ۳ کشور مأخوذ از نام یکی از زبان‌های رسمی رایج، ۵۵ کشور مرتبط با نام قومیت و زبان، ۲ کشور منسوب به دین، قومیت و زبان و یک کشور نیز منتسب به دین و قومیت آن کشور بوده است. (۱۴) در این میان، برخی از قومیت‌ها و زبان‌هایی که نام خود را به آن کشورها داده‌اند، کمتر از ۲۰ درصد سکنه یا متکلمان به آن زبان‌ها را در آن کشور تشکیل می‌دادند. (۱۵) (نام سایر کشورهای غیر مرتبط با قومیت‌ها، زبان‌ها و ادیان و مذاهب، غالباً مأخوذ از نام کاشف، فاتح، سلطان و ... یا شهر و روستایی در آن قلمرو بوده است. از سوی دیگر، در حالی که نام و نشان بسیاری از کشورهای غیر مرتبط با ادیان، اقوام و زبان‌های رایج در آن کشورها، هیچ ارتباطی با هویت ملی مردمانشان ندارد؛ نام ایران نشان‌دهنده هویت جمعی تمام ایرانیان و نمایانگر وجود اقوام گوناگون، متدینان به مذاهب مختلف و گویشوران به زبان‌ها و گویش‌های متنوعی است که همگی ایرانی خوانده می‌شوند.

بدین ترتیب، گوناگونی در ایران در مجموع عامل همگرایی - نه عامل واگرایی - و تعاملات درونی منجر به تکامل ملی بوده و خواهد بود.

نقش منطقه‌ای گوناگونی در ایران: مرکز یا پیرامون

بنا به آنچه که اشاره شد، تنوع موجود در ایران شامل گستره وسیعی از گوناگونی‌های دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی است. درونزا بودن و اصالت این تنوع، موقعیت ویژه‌ای به ایران

بخشیده است. ایران به عنوان سرزمینی که اکثریت آن را مسلمانان شیعه تشکیل می دهند، مهد تشیع و سکونتگاه بیشترین شیعیان جهان محسوب می شود؛ شیعیانی که در چند کشور کوچکتر، اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند و در کشورهای بیشتری نیز درصد قابل توجهی از جمعیت آن کشورها را شامل می شوند. تنوع مذهبی موجود در ایران، علاوه بر شیعیان اثنی عشری، اسماعیلی‌ها را نیز در بر می گیرد. شیعیان اسماعیلی اکنون در گستره گرایش‌های دینی و مذهبی ایران شمار اندکی را تشکیل می دهند؛ با این حال ایران در مقام خاستگاه اصلی این مکتب و پیشوایان تاریخی آن و زادگاه و موطن اولیه رهبران نسل‌های امروزی اسماعیلیان، از موقعیت کانونی ویژه‌ای در این خصوص برخوردار است. ایران برای اهل سنت نیز با آنکه به دلیل تعداد جمعیت، در اقلیت قرار گرفته‌اند، سرزمینی بیگانه نیست. زمانی مذهب اکثریت ایرانیان تسنن بوده است و غالب پیشوایان مکاتب فقهی و کلامی اهل تسنن، ایرانی بوده‌اند. تاریخ فرهنگ و تمدن و عرفان ایرانی و زبان و ادب پارسی عمده‌تاً با نام ایرانیان مسلمان سنی آمیخته است. امروزه آرامگاه‌ها و مقابر اولیا و عرفا و مشایخ سنیان در گوشه و کنار ایران، زیارتگاه مسلمانان شیعه و سنی ایرانی و غیرایرانی می باشد. قومیت‌های پیرو تسنن در ایران (۱۶) از اقوام اصیل ایرانی‌اند و خود حلقه اتصال مسلمانان سنی هم‌تبار قومی آنان در خارج از ایران کنونی با سرزمین و تاریخ و هویت ایرانی محسوب می شوند.

ایران برای پیروان سایر ادیان نیز وطن تاریخی و سرزمین بومی و در مواردی خاستگاه دیانت آنان است. (۱۷) غیرمسلمانان ایران، بیگانگان و مهاجرانی از سرزمین‌های دور و نزدیک نیستند. برخی به دلیل جابه‌جایی‌های تاریخی و سیاسی گروه‌های دینی یا قومی و زبانی بوده و در واقع کوچ‌ها یا جابه‌جایی‌هایی که در گستره قلمرو ایران در ایامی از تاریخ انجام شده، از مرزهای کنونی ایران فراتر می رفته است. (۱۸)

گوناهگونی قومی و زبانی موجود در ایران نیز علاوه بر درونزایی و اصالت بومی، به وجود آورنده جایگاه و موقعیتی کانونی برای ایران محسوب می شود. گستره تنوع قومی و زبانی ایران، از جمله شامل اقوام و گویشورانی است که هم‌تباران قومی یا هم‌زبانان آنان در کشورهای پیرامون ایران به سر می برند. اصالت ایرانی اقوام آذری، گُرد، بلوچ، طالشی و گروه‌های قومی و زبانی ایرانی‌الاصل دیگری که علاوه بر ایران امروزه در سایر کشورهای منطقه سکونت دارند، هم‌چنین زمینه پیوند این اقوام را در خارج از ایران با ایران فراهم می سازد.

چنین پیوندی با محور قرار دادن در تعاملات منطقه‌ای، در بسط و گسترش روابط با کشورهای منطقه به ویژه در ارتباط با همسایگان ما می‌تواند مؤثر واقع شود. همسانی‌های قومی و یگانگی‌های زبانی میان میلیون‌ها ایرانی این کشور و جمعیت‌های میلیونی ساکن کشورهای مجاور، می‌تواند نقش حائز اهمیتی در تسهیل و تقویت مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. بدیهی است که بهره‌جویی بهینه از چنین موقعیتی مستلزم تدبیر و تمهید لازم در هر دو عرصه سیاست داخلی و خارجی است. (۱۹)

به این ترتیب، گوناگونی موجود در ایران، بالقوه نوعی مرکزیت منطقه‌ای را برای ایران، به مثابه خاستگاه و کانون اصلی ادیان، مذاهب، اقوام، زبان‌ها، گویش‌ها و خرده‌فرهنگ‌های ایرانی (به مفهوم عام)، به وجود آورده است.

نتیجه‌گیری

سرزمین پهناور ایران، گسترهٔ انواع گوناگونی‌های دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی است. ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان، برخوردار از تنوع و گوناگونی است. تنوع موجود در ایران، وجهی درونزا داشته و با برخورداری از اصالت ملی، در پیکره هویت ایرانیان جای گرفته است. این امر سبب شده است که از یک سو تنوع موجود در ایران زمینه‌ساز واگرایی و جدایی نباشد، بلکه بتواند در مقام عاملی در مسیر تعامل و شناخت متقابل و نهایتاً همگرایی و تکامل ملی عمل کند. از دیگر سو نیز با توجه به مرکزیت و موقعیت جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی ایران، جایگاه منطقه‌ای ویژه‌ای را برای کشور ما فراهم آورد.

به‌عنوان کلام پایانی، مناسب است به این نکته اشاره شود که حوزهٔ تمدنی و گستره طبیعی جغرافیای سیاسی^۱ و فرهنگی^۲ ایران، فراتر از مرزهای کنونی است و در این قلمرو، تمامی گوناگونی درون ایرانی و بخش عمده گوناگونی برون ایرانی فعلی در منطقه را پوشش می‌دهد.

منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- عراق، بحرین، آذربایجان، لبنان.
- ۲- با استفاده از منابع مختلف از جمله: *دائرة المعارف تشیع*، تهران، سازمان دائرة المعارف تشیع، جلد دوم، صفحات مختلف.
- ۳- همان.
- ۴- با استفاده از منابع مختلف از جمله:
 - Richard Hoggart (ed.), *Oxford Encyclopedia of Peoples and Cultures*, Oxford, Oxford University Press, 1992.
 - و *دائرة المعارف تشیع*، جلد دوم، صفحات مختلف.
- ۵- در هند علاوه بر قومیت اصلی (هندی) که حدود ۲۸ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد، ۱۵ قومیت دیگر نیز هر یک با نسبت جمعیتی یک تا بیش از ۸ درصد سکنه وجود دارند. در پاکستان، قومیت پنجابی اندکی کمتر از نیمی از جمعیت کشور را در مقایسه با سایر اقوام تشکیل می‌دهند. در افغانستان، نسبت قوم پاتان (پشتون) اندکی بیش از نیمی از جمعیت و نسبت ۶ قوم دیگر هر کدام از یک تا بیش از ۲۰ درصد جمعیت این کشور است. در اسپانیا که تنها نمونه شاخص کشوری اروپایی با تنوع قومی درونی و غیرمهاجرتی یا غیرمنطقه‌ای است، نسبت اقوام عمده از این قرار است: اسپانیایی یا کاستیلی ۷۳ درصد، کاتالان ۱۶ درصد، گالیسی ۸ درصد و باسک ۲ درصد. (*Ibid.*)
- ۶- تنوع قومی در لبنان، حاصل اختلاط اعراب لبنانی و فلسطینی و مهاجرانی از جمله ارمنه، سوری‌ها و کردهاست. در بحرین، علاوه بر ۶۸ درصد عرب بحرینی و بیش از ۴ درصد عرب مهاجر، نزدیک به ۲۵ درصد جمعیت را ایرانیان، هندی‌ها و پاکستانی‌ها تشکیل می‌دهند. در ترکیب جمعیتی قطر سهم مهاجران آسیایی ۳۴ درصد، عرب‌های قطری ۲۰ درصد، سایر عرب‌ها ۲۵ درصد و ایرانیان ۱۶ درصد است. جمعیت کویت شامل ۴۰ درصد عرب کویتی، نزدیک به ۳۸ درصد عرب غیرکویتی، ۲۱ درصد مهاجران آسیایی و ۱/۷ درصد مهاجران اروپایی است. در عمان، عرب‌های بومی ۷۷ درصد و مهاجران هندی، پاکستانی (عمدتاً بلوچ) و بنگالی به ترتیب ۱۵، ۳/۵ و ۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. در امارات متحده عربی، عرب‌های خود این کشور کمتر از ۳۱ درصد، سایر اعراب بیش از ۵۶ درصد، پاکستانی‌ها و هندی‌ها ۱۰ درصد و ایرانیان ۱/۷ درصد جمعیت را شامل می‌شوند. (*Ibid.*)

۷- در مالزی، ۶۰ درصد جمعیت را بومیان ماله، ۳۱ درصد را مهاجران چینی و ۸ درصد را مهاجران هندی، پاکستانی و بنگلادشی تشکیل می‌دهند و در سنگاپور مهاجران چینی ۷۷ درصد، قوم بومی ماله ۱۵ درصد و ۶ درصد جمعیت نیز مهاجرانی از هند و سریلانکا هستند. (*Ibid.*)

۸- نمونه چنین کشورهایی مالدیو در آسیا با اکثریت سینهالی و دراویدی و اقلیت‌های عرب، آفریقایی و نگریتو، سیشل در آفریقا با بیش از ۸۹ درصد کرئول سیشلی (آمیزه‌ای از آسیایی‌ها، آفریقایی‌ها و اروپایی‌ها)، بیش از ۴/۵ درصد هندی، بیش از ۳ درصد ماداگاسکاری، بیش از ۱/۵ درصد چینی و ۱/۵ درصد بریتانیایی، موریس در همین قاره با ۵۵/۵ درصد کرئول، بیش از ۳۹/۵ درصد هندی، نزدیک به ۴ درصد اروپایی و بیش از ۰/۵ درصد چینی، و فیجی در اقیانوسیه با قریب ۴۸/۵ درصد هندی و بیش از ۴۶ درصد از بومیان خود فیجی است. (*Ibid.*)

۹- جمعیت ایالات متحده شامل بیش از ۸۳ درصد اروپایی، نزدیک به ۱۲/۵ درصد آفریقایی، ۱/۵ درصد از آسیا و اقیانوسیه و ۰/۶ درصد سرخ‌پوست است. در کانادا بریتانیایی‌ها نزدیک به ۳۴/۵، فرانسویان بیش از ۲۵/۵، آلمانی‌ها بیش از ۳/۵، ایتالیایی‌ها نزدیک به ۳، اکراینی‌ها بیش از ۱/۵ و هلندی‌ها نزدیک به ۱/۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و سرخ‌پوستان و اسکیموها با ۱/۵ و چینی‌ها با ۱/۴ درصد در این ترکیب قومی جای دارند. در استرالیا مهاجران نسل‌های پیش، بیش از ۷۶/۵ درصد و بومیان اصیل این کشور (آبورژینی‌ها) ۱/۵ درصد جمعیت این کشور را می‌سازند. نسل کنونی مهاجرانی که در کشورهای دیگر زاده شده‌اند، شامل بیش از ۷ درصد بریتانیایی، نزدیک به ۴ درصد از آسیا و اقیانوسیه، نزدیک به ۲ درصد از نیوزلند، بیش از ۱/۵ درصد ایتالیایی، ۱/۵ درصد از آفریقا و آمریکا، یک درصد یوگسلاو و یک درصد یونانی می‌باشند. در نیوزیلند بیش از ۸۲ درصد جمعیت را مهاجران اروپایی نسل‌های پیشین، بیش از ۹ درصد را بومیان مائوری و نزدیک به ۳ درصد را مردم پولینزیایی جزایر اقیانوس آرام تشکیل می‌دهند. ترکیب قومی کشور کثیرالمله‌ای مانند آفریقای جنوبی نیز شامل نزدیک به ۲۴ درصد آفریقاییان زولو، ۱۸ درصد مردمی با منشأ اروپایی، ۱۰/۵ درصد رنگین پوست، نزدیک به ۳۲/۵ درصد آفریقایی‌های غیر زولو و نزدیک به ۳/۵ درصد آسیایی است. در اسرائیل هم تنوع قومی مشخصاً حاصل اختلاط نزدیک ۱۷ درصد عرب فلسطینی و ۸۳ درصد یهودی است که بخش اعظم آنان را مهاجران فعلی یا نسل‌های گذشته نزدیک تشکیل می‌دهند. (*Ibid.*)

۱۰- در این کشورها نسبت مهاجران اروپایی تا ۹۰ درصد (در اروگوئه)، مهاجران آفریقایی یا سیاهان تا ۹۵

درصد (در هائیتی)، سرخ‌پوستان بومی تا ۵۵ درصد (در گواتمالا) و دو رگه‌ها تا ۹۰ درصد (در پاراگوئه) در ترکیب جمعیت این کشورها متغیر است. بیشترین تنوع جمعیتی در این کشورها که نشانگر بیشترین تنوع مهاجرتی است، در کشورهای سورینام و ترینیداد و توباگو دیده می‌شود. در سورینام هندی‌ها ۳۵ درصد، کرئول‌ها ۳۲ درصد، اندونزیایی‌ها ۱۰ درصد، سیاهان ۱۰ درصد، سرخپوستان ۳ درصد، چینی‌ها ۳ درصد و اروپایی‌ها ۱ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. در ترینیداد و توباگو نیز نسبت سیاهان و هندی‌ها هر یک نزدیک به ۴۱ درصد، آمیخته‌ها نزدیک به ۱۶/۵ درصد، اروپاییان نزدیک به ۱ درصد، چینی‌ها ۵ درصد و لبنانی‌ها ۰/۱ درصد است. (*Ibid.*)

۱۱- این موج مهاجرتی، سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۹۷۰ را در بر می‌گرفت. مهاجران عمدتاً از اروپا، آفریقا (بردگان)، ژاپن و نقاط دیگر خود قاره آمریکا بودند. جمعیت استرالیا و نیوزلند نیز بیشتر حاصل یکی از این امواج مهاجرتی از اروپا (سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۹۵۰) و جمعیت اسرائیل نیز مشخصاً حاصل موج مهاجرتی دیگری از اروپا و آمریکای شمالی (سال‌های ۱۹۴۸ به بعد) بوده است. به نقل از:

- *Philip's Atlas of the world*, London, George philip Limited, 1991, P. 26.

۱۲- در ۱۵ کشور به جای مانده از شوروی سابق نسبت اقوام یا ملیت‌های اصلی که نام کشور از آنها گرفته شده از ۴۰ درصد قزاق (در قزاقستان) تا ۹۳ درصد ارمنی (در ارمنستان) متفاوت است و بقیه جمعیت این ۱۵ کشور، شامل چندین قومیت یا ملیت متعلق به کشورهای مجاور یا سایر کشورهای شوروی پیشین می‌باشد. در این میان، روس‌ها بیشترین درصد جمعیت اکثر این کشورها را پس از قوم یا ملیت اصلی تشکیل می‌دهند که این نسبت تا حد ۳۸ درصد (در قزاقستان) می‌رسد. نسبت روس‌ها در خود روسیه ۸۲ درصد است. به نقل از:

- Hoggart, *Ibid.*

۱۳- الگوهای اقلیت‌های ملی (National Minorities) و گروه‌های قومی (Ethnic Groups) در تکرر مورد بررسی ویل کیملیکا در برخی کشورهای غربی ذکر شده است:

- Will Kymlicka, *Multicultural Citizenship: A Liberal Theory of Minority Rights*, Oxford, Clarendon press, 1995.

14- Hoggart, *Ibid.*

15- *Ibid.*

- ۱۶- از جمله بلوچ‌ها، کُردها و تالش‌ها.
- ۱۷- مشخصاً زرتشتیان که در خارج از ایران (از جمله هند) به نام خاستگاه آیین و وطن باستانی خویش، ایران، پارسی خوانده می‌شوند.
- ۱۸- جابه‌جایی آرامند از شمال غربی به مرکز و اکثراد از شمال غربی به شمال شرقی ایران در گذشته نمونه چنین مواردی است.
- ۱۹- برخی پیوندهای قومی و زبانی مورد اشاره که می‌تواند زمینه‌ساز تسهیل و تقویت تعاملات و روابط منطقه‌ای ایران باشد، با توجه به گستره جغرافیایی قومیت‌های ساکن در ایران و سایر کشورها در مورد هر قومیت عبارت است از: آذری‌ها با جمهوری آذربایجان، کُردها با کشورهای عراق، ترکیه، سوریه، لبنان و برخی از کشورهای مشترک المنافع شوروی سابق، بلوچ‌ها، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، عمان، امارات و تانزانیا، ترکمن‌ها با ترکمنستان و تعدادی از کشورهای دیگر مشترک المنافع، تالش‌ها با کشورهای آذربایجان، روسیه، اکراین و قزاقستان، عرب‌ها با کشورهای عربی و نیز مهاجران قزاق ساکن ایران با قزاقستان و برخی دیگر از کشورهای مشترک المنافع.



ثروء بشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی